

## گنج‌های آشکار، چشم‌های نابینا



بسیاری از فعالیت‌های ما آدمیان فقط و فقط به خاطر حفظ یا افزایش منافعمان طراحی شده و اجرا می‌شود. به دور و بر خودتان نگاه کنید. حتما مصداق‌های این جمله را می‌یابید؛ از رفتارهای اجتماعی تا عادت‌ها و رفتارهای طبیعی. شاید این‌ها یکی از معدود نمونه‌های رفتاری باشد که این نکته را نقض می‌کند.

جام جم آنلاین: بسیاری از فعالیت‌های ما آدمیان فقط و فقط به خاطر حفظ یا افزایش منافعمان طراحی شده و اجرا می‌شود. به دور و بر خودتان نگاه کنید. حتما مصداق‌های این جمله را می‌یابید؛ از رفتارهای اجتماعی تا عادت‌ها و رفتارهای طبیعی. شاید این‌ها یکی از معدود نمونه‌های رفتاری باشد که این نکته را نقض می‌کند.

مثلا هنگامی که یک نفر جان خود را از دست می‌دهد تا از منافع غیرشخصی دفاع کند. البته این رفتار چندان هم منحصر به انسان نیست. مثلا زنبورها هم نمونه‌هایی از ایثارگری را در خودشان نمایش می‌دهند. وقتی یک زنبور کسی را نیش می‌زند برای دفاع شخصی این کار را نکرده است. او از منافع جمعی همه اعضای کندو حمایت کرده است و البته با این عمل او جان خود را از دست می‌دهد. البته اگر کمی ریزبینانه به همین رفتارهای ایثارگرایانه در دنیای موجودات زنده هم دقت کنیم و آن را مورد مذاقه قرار دهیم باز هم پای منفعی را خواهیم دید که چندان تفاوتی با نمونه‌های دیگر در آن دیده نمی‌شود. شاید مهم‌ترین تفاوت این رفتار با رفتارهای منفعت‌طلبانه مرسوم دنیای جانداران در این باشد که این رفتارها (آگاهانه یا ناخودآگاهانه) به منافع بلند مدت‌تر و نیز منافع جمعی (و نه فردی) توجه دارد. به همین منوال رفتارها یا برخورد آدمیان با دنیای طبیعی پیرامون خودش هم مبتنی بر کسب منافع حداکثری از طبیعت بوده است، بخصوص پس از انقلاب صنعتی که قدرت چیرگی انسان بر طبیعت رخ نشان داد، عقده سده‌های طولانی مقهور طبیعت بودن سرگشود و ناگهان هجوم انسان‌های صنعتی شده به طبیعت برای کسب منافع بیشتر آغاز شد.

دست‌اندازی به طبیعت برای کشف و استخراج منابع طبیعی از چوب و زغال سنگ گرفته تا نفت، الماس، خاک، آب و... آنچنان رشد کرد که طبیعت فرصتی برای بازیافت خود پیدا نکرد. به عبارتی سرعت کسب منابع از سرعت تولید آن پیشی گرفت. در ابتدا این موضوع چندان جدی تلقی نمی‌شد چرا که زمین برای آدمیان گستره‌ای پهناور محسوب می‌شد و حتی برای آدمیان این گستره، بی‌نهایت فرض می‌شد، بنابراین انسان به خودش اجازه می‌داد تا برای کسب منافع حداکثری هر میزان برداشت از منابع طبیعی را مجاز بشمارد.

البته برای این برداشت‌های حداکثری استراتژی‌هایی هم ساخته می‌شد. مثلا یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های انسان در کسب حداکثری منافع از طبیعت می‌توان به کشف دنیاهای جدید و مهاجرت گسترده به آن دنیای جدید اشاره کرد و البته نمونه مهم از این‌گونه کشف سرزمین‌های تازه، کشف قاره آمریکا و مهاجرت به آن بود. این دست‌اندازی انسان به طبیعت کم‌کم رنگ نگرانی به خود گرفت. ابتدا زنگ خطر را اخلاق‌گرایان و فلاسفه به صدا در آوردند؛ این که آیا انسان تنها به دلیل توانایی موجود مجاز است که این‌گونه بهره‌برداری بی‌حد و حصر از طبیعت را نشانه رفته و اجرا کند؟

پارک‌های ملی آثار طبیعی ملی (گل سوسن چلچراغ یا قله علم‌کوه)، مناطق حفاظت‌شده (ارسباران در آذربایجان و هفتاد قله در استان مرکزی) و پناهگاه‌های حیات وحش؟ رده منطقه‌های تحت حفاظت ایران هستند پاسخ از دید اخلاق‌گرایان تقریباً هویدا بود اما از دید عملگرایان و قاطبه جمعیتی جوامع بشری، پاسخ به این پرسش دست‌کم چنین آشکار و ساده نبود. اما اوضاع به همین منوال باقی نماند و حتی عملگرایان نیز دچار تعارضی در بهره‌برداری بی‌حد و حصر از طبیعت شدند. افزایش شدید جمعیت و کاهش منابع در دسترس این نگرانی را موجب شد. اکنون زمان نگرانی بود؛ زمانی که بایستی به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شد. پاسخ به این سوال که اگر به طبیعت فرصت بازسازی ندهیم، سرنوشت ما چه می‌شود. اگر همه طبیعت دچار این دگرگونی شدید (حاصل از فعالیت بشری) قرار بگیرد، چه الگوی دست‌نخورده‌ای برای بازگرداندن اصل وجود خواهد داشت و به عبارت درست‌تر اگر همه طبیعت دست‌خورده شده و تغییرات بنیادی در آن رخ دهد، کدام الگوی طبیعی می‌تواند به عنوان نمونه استاندارد از طبیعت تلقی شود و برای بازسازی، مورد استناد قرار بگیرد؟

پاسخ به این سوال همان چیزی است که لزوم حفاظت ویژه از مناطق خاص کره زمین را باعث می‌شود؛ مناطقی که به عنوان مناطق بکر و دست‌نخورده زمین لقب می‌گیرند. مثلا جنوبگان را می‌توان یکی از مهم‌ترین و منحصربه‌فردترین مناطق کره زمین دانست. این منطقه در تمام دنیا تک محسوب می‌شود و در صورتی که تغییری در آن رخ دهد دیگر نمونه‌ای شبیه به آن وجود ندارد که بتوان به آن استناد کرد. بنابراین قطب جنوب را منطقه‌ای بشدت محافظت شده محسوب می‌کنیم که کسی حق دخالت یا تغییر (هر چند اندک) در آن را ندارد. اما به مقیاس‌های کوچک‌تر نیز در جای‌جای کره زمین، مناطقی با این سطح اهمیت وجود دارد. این مناطق که اکنون با نام عمومی (و نه حقوقی) مناطق تحت حفاظت می‌نامیم، برای همه انسان‌های زمین اهمیت دارد (یا باید داشته باشد) مناطق حفاظت شده از گزند هر نوع دست‌اندازی و تغییر و تبدیل بشری بایستی به دور باشد. اما چرا بایستی چنین محدودیتی را تحمل کنیم؟ مثلا آیا نباید به دلیل کوتاه شدن مسیر، در این مناطق جاده‌ای احداث کرد؟ آیا نباید این مناطق را به محل پرورش دام مورد

استفاده قرار داد؟ آیا نمی‌توان در این مناطق به فعالیت شکار و تفریح پرداخت؟ آیا نمی‌توان این مناطق را بواسطه منابع طبیعی و موهبت‌های الهی و خداداد موجود در آنها مورد کاوش و شناخت و استخراج قرار داد؟

پارک‌های ملی آثار طبیعی ملی (گل سوسن چلچراغ یا قله علم‌کوه)، مناطق حفاظت‌شده (ارسباران در آذربایجان و هفتاد قله در استان مرکزی) و پناهگاه‌های حیات‌وحش 4 رده منطقه‌های تحت‌حفاظت ایران هستند پاسخ همه پرسش‌های بالا و پرسش‌های دیگری از این دست، براساس قوانین محکم ملی و بین‌المللی، خیر است. اما چرا؟ آیا این نادیده گرفتن نعمات خداوند نیست؟ آیا این پاسخ نه، ایجاد زحمت و چشم‌پوشی از رفاه و آسایش محسوب نمی‌شود، پاسخ باز هم خیر است.

مناطق حفاظت شده - که در ایران با 4 سطح‌شناسایی می‌شود و بالاترین سطح آن پارک‌های ملی هستند - برای زندگی و دوام و بقای ما اهمیت دارند. همان‌طور که در سطور پیشین اشاره شد، این مناطق به عنوان جایگاه‌های ویژه محسوب شده و به دلیل نادر بودنشان (از حیث چشم‌انداز، منابع، بافت گیاهی، جانوری و...) بایستی به عنوان الگو و نمونه قابل استناد برای همیشه حفظ شوند. اما جدا از این، پارک‌های ملی و دیگر مناطق حفاظت شده ذخیره گاه ژنتیکی یک سرزمین محسوب می‌شوند... همچون بانک‌ها که ذخیره‌گاه اموال یک فرد یا جامعه محسوب می‌شود و آسیب به آن آسیب مستقیم به افراد است. پارک‌های ملی و مناطق تحت حفاظت دیگر منابع بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی هستند که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرند. البته بجز موجودات زنده موجود، این مناطق ارزش فراوانی در ذخیره و تولید و تازه شدن منابع غیرزنده که برای زندگی ما نقش اساسی بازی می‌کنند دارد. مثلا بخش مهمی از منابع آبی، اهمیت فراوان در تعادل دمایی و حتی ارزش‌های فرهنگی - برخی از مناطق تحت حفاظت به عنوان سرزمین‌های مقدس شناخته می‌شوند - فراوان دارند. پارک‌های ملی (همچون پارک ملی کویر و گلستان)، آثار طبیعی ملی (گل سوسن چلچراغ یا قله علم‌کوه)، مناطق حفاظت‌شده (ارسباران در آذربایجان و هفتاد قله در استان مرکزی) و پناهگاه‌های حیات‌وحش (همچون پناهگاه میانکاله) 4 رده منطقه‌های تحت‌حفاظت ایران هستند.

این مناطق ارزش‌های ذاتی در سطح کشور و در سطح جهان هستند. مناطق تحت حفاظت ایران بخشی از شبکه جهانی مناطق تحت حفاظت جهان هستند، شبکه‌ای با بیش از 12000 عضو، 12000 منطقه مهم که ارزش آن بیش از هر مبلغ مادی است. خیلی بیشتر از نفتی که می‌توان در آنها یافت یا بیش از هر جانوری که در آنها می‌توان شکار کرد. مناطق تحت حفاظت و پارک‌های ملی، همچون ذخایر بانک مرکزی است، آنها را بسادگی نباید از دست داد.

محمد رضا نوروزی / جام جم